

ناصر قوامی توضیح داد

از پشت پرده استعفای

آملی لاریجانی بی خبریم

● **ایلنا:**سیدناصر قوامی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درخصوص نحوه مواجهه اصلاح‌طلبان با دولت سیزدهم و حاکمیت اظهار کرد: اصلاح‌طلبان در قدرت نیستند و کسانی هم که فعلا در وزارت، استانداری یا هر سمت دیگری هستند، قطعاً برکنار می‌شوند و دولت یکدست می‌شود. اصلاح‌طلبان نحوه رفتار با مردم و وضع مردم را در نظر می‌گیرند. اگر دولت بتواند بی‌کاری، مسائل اقتصادی و کرونا را حل و رضایت مردم را جلب کند، مردم قاضی خوبی هستند و قضاوت می‌کنند و طبعاً اصلاح‌طلبان نیز قضاوت می‌کنند. او ضمن اشاره به حمایت برخی در ایران از طالبان گفت: اینکه برخی افراد می‌گویند طالبان برادر کوچک ماست، جای تعجب دارد؛ طالبان کجا برادر ماست؟ اینجا جایپنکارتین جنایتکاران دنیا هستند. آقای حقانی که امروز وزیر داخله طالبان است تعدادی از مساجد شیعیان را در حال نمازگزارى منفجر کرده است. این‌گونه حرف‌زدن درباره طالبان موجب ننگ و شرمساری است، اینها وهابی‌های تند هستند و کشتن شیعه را واجب می‌دانند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا افرادی در جناح اصلاح‌طلب برای تعامل با هسته سخت قدرت وجود دارند؟ او گفت: تعامل برای زمانی است که هر دو طرف قدرتی در اختیار داشته باشند، اما اصلاح‌طلبان هیچ امتیازی در اختیار ندارند که با دولت یا هسته سخت قدرت تعامل کنند. وقتی همه مجلس و کابینه دولت اصولگرا باشند، تعامل معنا ندارد. نماینده مردم قزوین در ششمین دوره مجلس ششورای اسلامی درخصوص آینده سیاسی برادران لاریجانی نیز اظهار کرد: برادران لاریجانی به نهایت رشدی که مدنظرشان بود، رسیدند. زمانی اصلا مصلحت نبود که دو برادر دو قوه را در اختیار داشته باشند و نتیجه را هم دیدیم. به نظر من این اشخاص کار خود را کردند و کناررفتشان طبیعی است. وقتی چند برادر منصب‌های کلیدی کشور را چندین سال در اختیار دارند، به هر حال روزی باید برکنار شوند. قوامی تصریح کرد: قطعاً درباره اینها تغییر موضعی صورت گرفته است. البته ما از پی پرده خبر نداریم؛ مشخص نیست آملی‌لاریجانی از شورای نگهبان استعفا داده یا به او گفتند که کناره‌گیری کن؛ همان‌گونه که علی لاریجانی رد صلاحیت شد.

سیاست

قیاس شرایط اصلاح‌طلبان در دو مقطع ۱۳۷۶و ۱۴۰۰

تجربه دو شکست

عباس عبدی؛ هاشمی کار و اقدامی جدی برای روی کار آمدن خاتمی انجام نداده بود



متفاوت داشت، مورد اقبال مردم قرار گرفت و به‌نوعی می‌توان گفت این جامعه بود که خاتمی را به سمت اصلاحات پیش برد و اندیشه‌ای خاص در میان نیروهای جناح چپ برای ایجاد تغییر وجود نداشت.

در این بین، برخی باور دارند هاشمی نیز در روی کار آمدن خاتمی بی‌تاثیر نبود؛ خاصه سخنرانی نماز جمعه او پیش از انتخابات که به‌نوعی با مطرح‌کردن ضرورت سلامت انتخابات، خواسته بود نزدیکی خود به خاتمی را اعلام کند که البته این گزاره محدود شاید در برابر رای سلبی مردم به وضع موجود، محلی از اعراب نداشته باشد؛ چراکه از قضا میل به اصلاح و جستن این خاستگاه در خاتمی به‌عنوان نماینده اندیشه اصلاحی در حوزه سیاسی، برآمده از شرایطی بود که در دوران اکبر هاشمی‌رفسنجانی پدید آمده بود. البته بر سر کیفیت دوران هاشمی بحث‌های بسیاری وجود دارد و شاید کمترکسی باشد که بتواند تلاش‌ها برای امر توسعه‌ده در دوران هاشمی را انکار کند؛ اما به هر رو، رای مردم به خاتمی، حکایت از «نه» به رویکرد راست‌گرایان داشت و این موضوع در انتخابات مجلس ششم نیز به چشم می‌خورد که هاشمی نفر آخر نمایندگان تهران می‌شود و به خواست خودش از نمایندگی انصراف می‌دهد. در این بین، رویکرد اصلاح‌طلبان، به‌ویژه حزب مشارکت، در نفی هاشمی و حتی با رویکردی تندتر تخریب هاشمی نیز محل نقد است؛ زیرا همین رویکرد سلبی در مواجهه با هاشمی که حالا نزدیک به اصلاح‌طلبان شده بود، بعدها برای اصلاح‌طلبان گران تمام شد و شاید بیرون‌آمدن محمود احمدی‌نژاد از صندوق رای در سال ۸۴، برآمده از گسترده‌بودن چنین جدال‌هایی بود. به هر حال، هرچه بود حتماً نمی‌توان حمایت هاشمی، آن‌هم به واسطه یک سخنرانی پیش از انتخابات سال ۷۶ را دلیل توفیق انتخاباتی خاتمی دانست. عبدی در ادامه گفت‌وگویش با «خبرآنلاین» به این موضوع اشاره می‌کند: «ایشان (هاشمی) که به آقای ناطق‌نوری رای داد، چگونه به اصلاح‌طلبان و آقای خاتمی کمک می‌کند؟ اینکه سخنان ایشان به پیروزی اصلاح‌طلبان کمک کرده باشد و اصولگرایان به این موضع منتقد باشند، تحلیل دیگری دارد. بنا بر قول شخص آقای هاشمی، وی در حال رفتن به نماز جمعه

بودند که رئیس وقت بسیج کشور در وسط راه با ایشان تماس گرفته و می‌گوید عده‌ای می‌خواهند در انتخابات تقلب کنند. دراین‌باره تذکری به‌دید خوب است. آن آقا اصلاً اصولگرا و آن طرفی بود که از آقای هاشمی خواستند این را مطرح کنند. آقای هاشمی هم گفتند چون او این حرف را زد، من هم تذکر دادم. یعنی بر اساس ادعای آن طرفی‌ها، این سخن را گفتم. اما چرا این تعبیر به نفع آقای خاتمی شد؟… وقتی آقای هاشمی گفتند من به آقای ناطق‌نوری رای دادم و حتی بیان کردند که به چه دلیل خطر و احتمال تقلب در انتخابات را گفتند، من نمی‌دانم چرا باید این‌طور برداشت کنیم که این سخنان را آگاهانه در جهت حمایت از آقای خاتمی بیان کردند؟ البته آقای هاشمی به دلیل فاصله‌ای که اصولگرایان از او گرفته بودند، از آنان ناامید بود. اگر به خاطرات ایشان نگاه کنید، کار و اقدامی جدی برای روی کار آمدن آقای خاتمی انجام نداده بودند».

برسیم به شرایط کنونی؛ اکنون مانند سال ۷۶ باز هم اصلاح‌طلبان استراتژی خاصی برای آینده ندارند و اگر در آن سال نیروهای چپ خط امامی نمی‌دانستند قرار است به نیروهای اصلاح‌طلب تبدیل شوند و هشت سال دولت را در اختیار داشته باشند و هم‌زمان چهار سال مجلس را هم به دست بگیرند، اکنون هم آینده برای اصلاح‌طلبان مبهم است. البته یک تفاوت مهم در این بین وجود دارد. آن زمان اصلاح‌طلبان با رویکردهای تازه خود هنوز محدودیت‌های کنونی را نداشتند، ازجمله آنکه هنوز سرمایه اجتماعی برآمده تحول‌خواه که پشت نیروهای چپ ایستاده بود، آنها را متمایز از تصمیم‌سازان هسته اصلی قدرت در جناح راست تلقی می‌کرد و تصور این بود که اصلاح‌طلبان توان اصلاحات سیاسی و فرهنگی را دارند که البته تلاش‌هایی هم به‌ویژه در مجلس ششم و دوره اول خاتمی در این زمینه شد. این اعتماد تا سال ۹۲ نیز با اصلاح‌طلبان همراه بود و حتی مردم بدون هیچ پرسشی به تصمیم تشکیلاتی اصلاح‌طلبان مبنی بر حمایت از یک نیروی غیراصلاح‌طلب پاسخ مثبت دادند؛ تا آنکه اصلاح‌طلبان به دلیل سکوت خود و البته عملکرد نه‌چندان قابل دفاع دولت مورد حمایت‌شان، قدری از‌سوی سرمایه اجتماعی خود طرد شدند. دومین محدودیتی که اصلاح‌طلبان در سال۷۶ با آن مواجه نبودند، نوع برخورد نهادهای نظارتی است. آن زمان هنوز رد صلاحیت به شکل کنونی نبود تا آنکه اصلاح‌طلبان طعم ردصلاحیت‌های گسترده را در انتخابات مجلس هفتم حس کردند و این چالش تا به امروز نیز با آنان همراه است. شاید بتوان یک وجه مشترک دیگر نیز میان این روزهای اصلاح‌طلبان با شرایطشان در سال ۷۶ پیدا کرد؛ آنکه ممکن است نوع عملکرد اصولگرایان، چه در دولت و چه در مجلس، باز هم مردم را به سمت «نه» به شرایط موجود ببرد که باید دید در آن شرایط اصلاح‌طلبان همچنان می‌توانند آلترناتیو جامعه محسوب شوند؟ حتماً پاسخ به این پرسش مهم‌ترین چالش این روزهای نیروهایی است که روزگاری باعث شکست ناطق‌نوری شدند.

میرسلیم: مجلس مذاکره از موضع عزت را تأیید می‌کند

● **ایسنا:** مصطفی میرسلیم، نماینده تهران در مجلس، در صفحه توئیتر خود نوشت: «مجلس از تعامل جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی برای دفاع از حقوق مردم ایران استقبال می‌کند؛ ولی اعتقاد ندارد که نباید فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور در گرو مذاکرات بماند. مجلس مذاکراتی را قبول دارد و تأیید می‌کند که از موضع عزت انجام گیرد؛ یعنی هیچ‌گونه برتری سیاسی دیگران را نمی‌پذیرد و بر استیفای حقوق مردم ایران بافشاری می‌کند».

مطهری: بهبود روابط با

تاجیکستان موفقیت دولت است

● **شرق:** علی مطهری تحولات اخیر در روابط ایران و تاجیکستان را یک موفقیت برای دولت دانست، او در توئیتر نوشت: «بهبود روابط ایران و تاجیکستان با توجه به تحولات افغانستان بسیار حائز اهمیت و یک موفقیت برای دولت جدید است».

وزیر دفاع: سردار سلیمانی

منادی عدالت و صلح بود

● **روابط‌عمومی ارتش:** امیر محمدرضا آشتیانی، وزیر دفاع، گفت: در قاموس جمهوری اسلامی ایران حمایت از مستضعفین همان حقوق بشری است که نظام بین‌الملل از آن استفاده اب‌زاری می‌کند. شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی با تمام وجود در این مسیر گام برداشت و با مبارزه با تروریست‌های تکفیری و سلطه‌گران آمریکایی و صهیونیستی مورد کینه دشمنان واقع شد و به شهادت رسید. شهید سلیمانی منادی به تمام معنای عدالت و صلح بود. او افزود: ملت ایران بر این باور است که وعده الهی مبنی بر پیروزی حق علیه باطل محقق خواهد شد و مستضعفان وارثان حقیقی زمین خواهند بود و به‌حوال و قوه الهی و با تکیه بر همین تجربه و اعتماد راسخ در همه حوزه‌های مرتبط به خوداتکایی رسیده‌ایم؛ به‌ویژه در زمینه ساخت و تولید تجهیزات و تسلیحات نظامی و بومی‌سازی آنان و دستیابی به فناوری‌های نوین در بخش‌های مختلف که این توفیقات به خدا و رهبری هوشمند و ایمان قوی و ایستادگی و مقاومت حاصل شده است و همه اینها در جهت صلح جهانی، امنیت و عدالت به کار خواهد رفت.

لونجین

LONGINES

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN



HydroConquest